

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: بنده کمترین در دوران مجردی‌ام، به دلایل زیاد (که مطرح کردنش در این مختصر ممکن نیست) اسیر گناهی مربوط به غرایز جوانی بودم. سنم پایین بود. در زمان ما جوان کم سن و سال اگر پسر بود نه خواستگاری می‌رفت اگر هم دختر بود خواستگاری اش نمی‌آمدند. نه جرات داشت به والدینش بگوید اسیر گناهم باید ازدواج کنم. به مجرد اینکه شرایط ازدواج فراهم شد به والدینم گفتم می‌خوام ازدواج کنم. می‌خواستم از بند و اسارت گناه راحت شوم. البته اهل نماز و روزه و قرآن خواندن و دعا و اینجور چیزها هم بودم اما همان‌طور که شما استاد عزیز واقفید اینجور گناهان سبب محرومیت‌های معنوی و چه بسا مادی می‌شود. من علت خیلی از عقب ماندگی‌های معنوی و مادی فعلی خودم رو همین مسئله میدونم و حسرت‌ها و اندوه‌های زیادی بخاطرش کشیدم. جوان‌های بسیاری را می‌بینم که روزی‌های معنوی و مادی زیادی دارند بخاطر اینکه تا ازدواج برایشان ممکن شود عفت ورزیدند. ولی من حسرت این روزی‌ها رو می‌خورم. می‌خواهم بدانم چگونه باید جبران کنم و راه توبه چیست؟ التماس دعای بسیار دارم از شما پدر معنوی و روحانی‌ام.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال این قاعده نظام الهی می‌باشد که با توبه، آثار گناه از میان می‌رود و نباید از این جهت نگران بود. آری! مولایمان امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» فرمودند: «انّ للقلوب اقبالاً و ادباراً» که به اصطلاح عرفا، «بسط» و «قبض» برای قلب هست و ما نباید قبضی که برایمان پیش می‌آید را حمل بر بی‌خدایی بکنیم، بلکه آن حالت را زمینه نشان دادن صبر بر بندگی بدانیم. زیرا خداوند دوست دارد تا ما در چنین حالاتی نیز بندگی خود را به نمایش بگذاریم و معلوم است که شیطان هم باید به میدان بیاید و آن افکار را که می‌فرماید در ما بدمد تا با مقابله با همین افکار و به دنبال عمیق‌شدن معارف خود بتوانیم جلو و جلوتر بیاییم. موفق باشید